

جایگاه وجودی ولی و امام در حکمت متعالیه

(دیدگاه حکیم زنوزی)

عبدالرضا صفری*

استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه پیام نور

چکیده

اشرف و اقرب و محبوبترین جواهر ملکوتی است، میتوان آن را روح دانست. به این سبب، ولی، روح و عقل ناطقه‌یی است که در معرض فرامین و ثواب و عقاب حق تعالی قرار میگیرد.

مقاله حاضر درصدد است با بررسی مفهوم ولی و امام در دیدگاه حکیم زنوزی، نشان دهد که میتوان بنا بر قواعد فلسفه نظری حکمت متعالیه – همچون قاعده الواحد، امکان اخس و بویژه امکان اشرف – شأن ضروری وجود عقل را اثبات نمود. از آنجا که «ولی» در برترین مرتبه عقل بالفعل و قوه تحریک قرار دارد، بر مرتبه عقل اول بعنوان حق ثانی، اتم و اقرب جواهر نشئه ملکوت به حق تعالی منطبق میشود، از اینرو این مرتبه بر «ولی» صادق است. همچنین این عقل که در حکمت اشراقیه متعالیه «عقل متکافئه» و «رب النوع» و در این مقاله نمونه برتر «موجود مستکفی» شناخته میشود، به این سبب که دارای جنبه‌یی از ربوبیت حق تعالی است، بر خلاف عقول مفارق، به تربیت و تدبیر مادون خویش التفات دارد. نمونه این عقل را میتوان در انوار مدبره انسانی و نفوس عالیه، از جمله اولیا و حکمای متأله، مشاهده کرد. نویسنده با بررسی این ویژگیها و مصادیق اینگونه از عقل، نتیجه میگیرد که بر اساس تحلیل حکمی محتوای بعضی از روایات میتوان زمینه را برای تطبیق این ویژگیها بر اولیاء آماده ساخت و بتعبیر زنوزی، رکن ابیض عرش الهی و عقل کل را نماینده این مرتبه معرفی نمود. سرانجام، بنا بر این باور که عقل،

کلیدواژگان

ولی
عقل اول
حکمت متعالیه
امام
موجود مستکفی
حکیم زنوزی

مقدمه

بنا بر واژه‌شناسی، «ولی» کسی است که فانی از حال خود و باقی در مشاهده حق باشد. او خود از نفس خویش خبر ندارد و حق تعالی عهده‌دار امر وی باشد و با غیر حق تعالی عهد و قراری ندارد. بعضی دیگر ولایت را باطن نبوت میدانند و از آن بگونه‌یی تعبیر میکنند که جامع نبوت و ولایت است؛ زیرا انبیا، خود اولیا هستند^۱. در دیدگاه حکیم زنوزی نیز واژه «ولی»

*.Email:Safary_r@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۱۰ تاریخ تأیید: ۹۷/۹/۱۸

۱. جامی، نفحات الانس، ص ۵.

۲. قیصری، شرح فصوص الحکم، ص ۴۵.